

جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های آموزشی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان بعد از انقلاب اسلامی

علی مرشدی‌زاد*

زینب جهاندار لاشکی**

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های آموزشی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان بعد از انقلاب اسلامی است. با توجه به آنکه این مفهوم در چهار کتاب علوم اجتماعی، تاریخ، ادبیات فارسی و معارف اسلامی کاربرد دارد، جامعه آماری در این تحقیق شامل کتاب‌های اشاره شده در مقطع دبیرستان، در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی است. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل محتوا و واحد تحلیل مضمون واحد زمینه‌ای است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کتاب‌های دهه ۶۰ با ۳۹/۵ درصد بیشترین و کتاب‌های دهه ۷۰ با ۲۷/۳ درصد، کمترین مقدار جامعه‌پذیری سیاسی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین یافته‌ها بر این نکته تأکید دارد که کتاب‌های علوم اجتماعی با ۵۹/۱ درصد بیشترین و ادبیات فارسی با ۴/۵ درصد کمترین میزان جامعه‌پذیری سیاسی را داشته و کتاب‌های تاریخ با ۲۶/۸ درصد و معارف اسلامی با ۹/۵ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

واژگان کلیدی

جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی، فرهنگ سیاسی، آموزش و پرورش.

*. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد.

morshedizad@shahed.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - گرایش مسائل اجتماعی ایران - دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

z.jahandar114@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱

طرح مسئله

انسان از بدو تولد، نحوه زندگی در جامعه خود را می‌آموزد. این روند در سراسر حیات انسان جریان دارد، ولی در سال‌های اولیه زندگی حجم مطالبی که یاد می‌گیرد بیشتر بوده و مطالبی که آموخته می‌شود، از دیرپایی بیشتری برخوردار است. این یادگیری و خوگرفتن را «جامعه‌پذیری» می‌نامند. انسان با جامعه‌پذیر شدن، با ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی با فرهنگ عمومی جامعه خود آشنا می‌شود و بدین ترتیب با سهولت بیشتری می‌تواند در آن جامعه زندگی کند. یکی از زیرشاخه‌ها و اجزای این جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی است. تمامی نظام‌های سیاسی برای انتقال ارزش‌های سیاسی مورد نظر خود به افراد جامعه و نیز انتقال دادن آن به نسل‌های بعدی و ایجاد نوعی هم‌نوایی اجتماعی و سیاسی به امر جامعه‌پذیری سیاسی اهتمام می‌ورزند. جامعه‌پذیری سیاسی باعث شکل‌گیری فرهنگ سیاسی همگون و متجانسی در جامعه می‌شود و اختلافات، تشکته‌ها و درگیری‌ها را در حوزه فرهنگ سیاسی به حداقل می‌رساند. نبود چنین همبستگی و هم‌نوایی، مشکلات دولت‌ها را دوچندان می‌کند. آنان نمی‌توانند با مردم خود ارتباط برقرار کنند و در بلند مدت، مشروعیت خود را از دست خواهند داد. (راش، ۱۳۷۷: ۱۰۷ - ۱۰۳)

جامعه‌پذیری سیاسی همانند جامعه‌پذیری به‌معنای عام می‌تواند از طریق خانواده، گروه‌های همسالان، سازمان‌های آموزشی، رسانه‌های گروهی و ... به صورت رسمی و غیررسمی صورت گیرد. آموزش و پرورش از نهادهای مهمی است که در تأثیرگذارترین مراحل پرورش فرد، وظیفه تربیت و جامعه‌پذیر ساختن وی را به‌عهده می‌گیرد. انسان پس از طی سال‌های اولیه زندگی خود در جمع خانواده و جامعه‌پذیری اولیه، پا به محیط مدرسه می‌گذارد و از این زمان، این مدرسه است که بخش عمده جامعه‌پذیر ساختن فرد را چه از حیث عام و چه سیاسی، عهده‌دار می‌شود. آموزش‌هایی که در مدارس داده می‌شود، فرد را برای زندگی متعادل در جامعه خود آماده می‌کند و فرد ارزش‌ها و هنجارها، آداب و رسوم، قوانین و باورهای موجود در جامعه خویش را می‌آموزد و یاد می‌گیرد که به آنها احترام بگذارد. ناتوانی نهاد آموزش و پرورش در انجام این مهم باعث تربیت انسان‌هایی ناهم‌نوا در جامعه می‌شود که با الگوهای ارزشی موجود سازگاری ندارند. در این راستا منابع درسی مدارس، ابزار مناسبی برای سنجش میزان مناسبت نحوه آموزش در این نهاد با ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه است. این منابع، سیر آموزش رسمی را در طی سال‌های تحصیل نشان می‌دهند و کاستی‌های موجود در این آموزش را نمایان می‌سازند. (کوئن، ۱۳۸۷: ۱۱۳ - ۱۰۸)

بر همین مبنا از آنجایی که توجه ما به جامعه‌پذیری سیاسی است و مقطع دبیرستان نیز مؤثرترین دوره برای جامعه‌پذیری سیاسی فرد محسوب می‌شود و فرد در این مقطع با مفاهیم سیاسی آشنایی بیشتری پیدا می‌کند، در این مقاله تلاش می‌شود با استفاده از روش تحلیل محتوا، روند جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های آموزشی این نهاد در مقطع دبیرستان که دارای دلالت‌های سیاسی بیشتری هستند، بررسی شود. در این

پژوهش، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های آموزشی دانش‌آموزان دبیرستان بعد از انقلاب اسلامی، بر کدام ارزش‌های سیاسی تأکید داشته است؟
محدوده موضوعی این پژوهش جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های علوم اجتماعی، تاریخ، ادبیات و معارف اسلامی دانش‌آموزان دبیرستان، محدوده زمانی شامل سه دهه بعد از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ و محدوده مکانی آن کشور ایران می‌باشد.

در این پژوهش، با استفاده از تعاریف مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی (اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی، دانش سیاسی و مشروعیت سیاسی) از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی استفاده شده است. بدین منظور کتاب‌های علوم اجتماعی، تاریخ، ادبیات فارسی و معارف اسلامی دوره دبیرستان در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی، به صورتی که تکراری نباشد انتخاب و گزاره‌هایی که مضمون مقوله‌های مورد نظر در تحقیق را در برداشت، از آن استخراج شد و به صورت کمی و کیفی تحلیل شد. برای تحلیل کمی از تکنیک‌های درصد توزیع فراوانی و رسم نمودار استفاده و با تحلیل کیفی (تفسیری)، در مقام یکی از روش‌های تحلیل شواهد تجربی، درصد نشان دادن معنای نهفته در متن شدیم. در تحلیل داده‌ها ابتدا سه دهه از لحاظ محتوای انتقال مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی با یکدیگر مقایسه شد، سپس کتاب‌های درسی از لحاظ دربرگرفتن حجم این مؤلفه‌ها با یکدیگر مقایسه شد و در پایان سهم پرداختن به هر کدام از این مفاهیم، مورد واکاوی قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش، شامل تعداد ۱۲۶ کتاب «علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، معارف اسلامی (بینش دینی، دین و زندگی)، تاریخ و ادبیات فارسی» دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ مقطع دبیرستان، با حجم ۲۱۳۹۳ صفحه است. روش نمونه‌گیری، تمام شماری می‌باشد. بدین معنی که تمام کتاب‌های موجود و در دسترس، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. تعداد کتاب‌های مورد مطالعه در این پژوهش، شامل دهه ۶۰، با فراوانی ۳۷ عدد، دهه ۷۰، ۵۳ عدد و دهه ۸۰، ۳۶ عدد است. در نتیجه واکاوی ۲۱۳۹۳ صفحه از این جامعه آماری، ۲۲۰ گزاره در موضوع جامعه‌پذیری سیاسی استخراج شد.

منظور از روایی (اعتبار)، میزان دقت و صحت معرف‌های تجربی تعریف شده برای سنجش مفاهیم است. در اینجا میزان انطباق‌پذیری تعریف عملی با تعریف نظری مورد توجه است. برای تعیین معرف‌ها به دو شیوه عمل شد:

۱. استفاده از سنجه‌های پژوهش‌های پیشین و رجوع به متن‌های علمی؛ از قبیل تئوری آلموند و وربا، داوسون و برخی از کتاب‌های مربوط به جامعه‌پذیری.
۲. رجوع به اجتماع علمی؛ که در این تحقیق برای تعیین معرف‌ها به بعضی از اعضای هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و گروه جامعه‌شناسی انقلاب پژوهشکده امام خمینی علیه السلام رجوع شده است.

پایایی ناظر بر ویژگی تکرارپذیری، اندازه‌گیری و ثبات در نتایج تحقیق در صورت تکرار است. تحقیق زمانی از پایایی کامل برخوردار خواهد بود که از ضریب ثبات یا پایایی بهره‌مند باشد. یعنی در صورت تکرار، نتایج مشابه بدست دهد. در کار شناخت پایایی، از شیوه‌های گوناگون استفاده می‌شود. یکی از آنها آزمون مجدد است. در این روش از یک فرد یا گروهی دیگر خواسته می‌شود همان متن را بار دیگر مورد تحلیل قرار دهد. بر این اساس با توجه به اینکه در بیش از ۸۰ درصد موارد کدگذاری یکسان بود، پایایی این تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

مرور ادبیات

۱. تعریف جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی، فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش، خصوصاً وظایف سیاسی آشنا می‌شوند و این امور از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. امکان دارد در جریان این انتقال، تغییرات و تعدیل‌هایی نیز صورت پذیرد. (قوام، ۱۳۶۹: ۲۲۹) تجربیات اجتماعی و روانی که در جامعه‌پذیری سیاسی نقش اساسی بر عهده دارند، متعدد و مختلف هستند. گرایش‌های سیاسی ممکن است از طریق مواد درسی و یا پیام‌هایی که دارای محتوای صریح و روشن سیاسی است، کسب شوند و یا ممکن است نتیجه تمایلات کلی و درونی باشند که در آینده رنگ سیاسی به خود می‌گیرند، ولی در اصل سیاسی نبوده‌اند.

نظریات سیاسی یک شهروند ممکن است در نتیجه کوشش دیگران در جهت آموختن اصول سیاسی به او به‌دست آمده باشد و یا چنین نظریاتی ممکن است نتیجه تأثیر جنبی تجربیاتی باشد که قصد و هدف آنها در اصل چیز دیگری بوده است. راهپیمایی‌های سیاسی، مبارزات انتخاباتی و تبلیغات سیاسی دولتی و غیردولتی، موارد روشنی از جامعه‌پذیری سیاسی به‌شمار می‌آیند. انتقال اطلاعات و دانش‌های سیاسی که به صورت مواد درسی در مدارس و دانشکده‌ها تدریس می‌شود، موارد دیگری از جامعه‌پذیری سیاسی محسوب می‌شود. نوجوانی که در جریان گفتگوی سیاسی والدین خویش که وابستگی حزبی دارند، قرار می‌گیرد و صحبت‌های آنان را می‌شنود و یا کارگری که در محیط کار در معرض گفتگوی سیاسی عده‌ای از همکاران خود که درباره یک نامزد انتخاباتی صحبت می‌کنند قرار می‌گیرد، همه مواردی از جامعه‌پذیری سیاسی «غیر مستقیم» به‌شمار می‌آید. چنین مواردی از جامعه‌پذیری سیاسی گرچه دارای قصد و هدف خاصی نیست، ولی تأثیرات سیاسی ناشی از آنها کاملاً واضح است. (مهرداد، ۱۳۷۶: ۵۸)

۲. جامعه‌پذیری سیاسی و اعتماد اجتماعی

اعتماد، یک جزء اصلی سرمایه اجتماعی است. یعنی وجود اعتماد میان افراد و گروه‌هاست که فرد را در ارتباط با دیگران به انجام تکالیف وامی‌دارد. در روابط افراد بر اساس همین اعتماد است که از دیگران انتظار می‌رود

در موقع نیاز به یاری او بشتابند. (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۹) اعتماد، تسهیل‌کننده مبادلات در فضای اجتماعی است که هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و برای حل مسائل مربوط به نظم اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و عنصر پیش‌قراردادی و مقوم حیات اجتماعی است. به تعبیری مفاهیم مربوط به اعتماد به‌طرز بالقوه روابط اجتماعی را توصیف می‌نمایند، که دربرگیرنده تمایزات افقی بین حوزه‌های مربوط به فضای عمومی و شخصی است. برای مثال فوکویاما از اعتماد، به‌مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزش‌های جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌نماید. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۸) در پژوهش حاضر مراد از اعتماد، اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم به بیگانگان و اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها می‌باشد و برای مفهوم اعتماد سیاسی در تحقیق حاضر، چهار بُعد به شرح زیر منظور گردیده است که عبارتند از:

۱. اعتماد به توانایی کارگزاران حکومتی؛ اعتقاد به اینکه متصدیان دولتی از حیث عقیدتی یا تخصصی از توانایی لازم برای اداره کشور برخوردارند. ۲. اعتماد به کارآمدی قوانین از لحاظ حقانیت دینی؛ منظور این است که قوانین، قانون اساسی یا قوانین مجلس شورای اسلامی، با آموزه‌های دینی ما در تضاد نباشند. ۳. اعتماد به کارآمدی قوانین از لحاظ منفعت عمومی؛ قوانین جاری در کشور در راستای منفعت عمومی به تصویب می‌رسند. ۴. اعتماد به کارآمدی نهادهای سیاسی حکومتی؛ شامل خبرگان، رهبری و قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه که این نهادهای سیاسی حکومتی در کشور از تعهد و تخصص لازم برای تصدی‌گری امور برخوردارند.

۳. جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی

یکی از فعالیت‌هایی که در چهارچوب سازوکارهای رسمی و تعریف شده نظام سیاسی و گاهی خارج از آن انجام می‌گیرد و به صورت رفتاری سیاسی خود را نشان می‌دهد، «مشارکت سیاسی» نامیده می‌شود. مشارکت سیاسی عبارت است از درگیری فکری و احساسی یک شخص در یک وضعیت گروهی، که این درگیری، شخص را تشویق می‌کند که به هدف‌های گروهی کمک کند و در مسئولیت آنها سهیم باشد. (آبراکرامبی، ۱۳۷۶: ۲۷۶) مشارکت سیاسی دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و جمعی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸) بدین ترتیب می‌توان مشارکت سیاسی را به‌عنوان «تلاش یا رفتاری که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم معطوف به کسب قدرت سیاسی (دولت) یا تأثیر بر آن است» تعریف کرد. در تحقیق حاضر برای مفهوم مشارکت سیاسی، سه بُعد به شرح زیر منظور گردیده است که عبارتند از: ۱. مشارکت حزبی: هواداری، همکاری و عضویت در گروه‌ها و احزاب سیاسی مورد تأیید جمهوری اسلامی ایران. ۲. مشارکت انتخاباتی: شرکت در انتخابات سراسری ریاست جمهوری، مجلس و شورای شهر. ۳. مشارکت فردی: شرکت در بحث و گفتگوهای سیاسی، پیگیری اطلاعات و اخبار سیاسی کشور.

۴. جامعه‌پذیری سیاسی و دانش سیاسی عام

منظور از دانش سیاسی، دانسته‌ها و آموخته‌هایی است که فرد نسبت به افراد، نقش‌ها، نهادها و ساختارهای سیاسی دارد. در پژوهش حاضر مراد از دانش سیاسی عام، دانش افراد نسبت به نوع نظام سیاسی و ویژگی‌های آن، حقوق و تکالیف شهروندی و به‌طور کلی هرگونه آگاهی و شناخت نسبت به مؤلفه‌های سیاسی را شامل می‌شود. در تحقیق حاضر مؤلفه‌هایی که به‌طور کلی در علم سیاست برای جوامع مشترک است، به‌عنوان دانش سیاسی عام در نظر گرفته شده است و در تحلیل محتوا وجود هرگونه تعریفی از این مؤلفه‌ها به‌عنوان انتقال این مفاهیم در نظر گرفته شده است که این متغیر در غالب پنج بُعد ذیل آمده است:

۱. تعریف سیاست و مفاهیم مربوط به واژه سیاست: سیاست، فرایندی است که جامعه از طریق آن منابع و ارزش‌ها را مقتدرانه توزیع، تصمیمات را اتخاذ یا سیاست‌ها را تعیین می‌کند.

۲. قدرت و اقتدار: از نظر وبر، قدرت عبارت است از احتمال اینکه یک کنش‌گر در یک رابطه اجتماعی در موقعیتی باشد که اراده خود را به‌رغم مقاومت دیگران اعمال کند، صرف‌نظر از اینکه این احتمال بر چه مبنایی قرار دارد. اقتدار مشروع یا قانونی زمانی وجود دارد که اعمال قدرت به منزله یک حق توسط کسانی که قدرت نسبت به آنها اعمال می‌گردد، پذیرفته می‌شود یا توجیه می‌گردد. (راش، ۱۳۷۷: ۵۸ - ۵۷) در تحقیق حاضر، قدرت به‌معنای تحمیل اراده بدون در نظر گرفتن نظر مردم، و اقتدار؛ اعمال قدرت با پذیرش از طرف مردم، معنا شده است.

۳. احزاب و نظام‌های سیاسی: ادموند برک در تعریف حزب می‌گوید: حزب گروهی از افرادند که بر پایه اصول خاص پذیرفته شده‌ای اتحاد یافته و با تلاش مشترکشان منافع ملی را ارتقا دهند. آلموند، نظام سیاسی را به‌عنوان نظام کنش‌های متقابلی تعریف می‌کند که در همه جامعه‌های مستقل یافت می‌شود و هر جامعه‌ای از طریق آن، کارکردهای یگانگی و سازگاری را با به‌کارگیری، یا تهدید به استعمال کمتر یا بیشتر زور و اجبار مشروع انجام می‌دهد. این نظام شامل نه فقط مقننه و مجریه، دستگاه‌های اداری، احزاب و گروه‌های ذی‌نفع، بلکه گروه‌های منزلت طبقاتی و دودمانی و پدیده‌هایی نظیر شورش‌ها و تظاهرات است. (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۴۲) در زمینه تعریف حزب، نظریه‌های متعددی وجود دارد. در این پژوهش معرفی احزاب و تعریفی کلی از آن مدنظر بوده است و در رابطه با نظام‌های سیاسی، تعریف نظام و انواع نظام‌های سیاسی (دموکراتیک، استبدادی و ...) مورد نظر بوده است.

۴. حقوق و تکالیف شهروندی: تی. اچ. مارشال به سه نوع حق در ارتباط با رشد شهروندی اشاره می‌کند: الف) حقوق مدنی که به حقوق فردی در قانون اطلاق می‌شوند. شامل آزادی افراد برای زندگی در هر جایی که انتخاب می‌کنند، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت، حق دادرسی یکسان در برابر قانون و ... ب) حقوق سیاسی: به‌ویژه حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن، انتخاب کردن و ... ج) حقوق اجتماعی که به حق

طبیعی فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیتی مربوط می‌شود. شامل مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری، تعیین حداقل سطح دستمزد و
۵. انتخابات (فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان)

۵. جامعه‌پذیری سیاسی و دانش سیاسی خاص

همان‌طور که در سطور قبلی مطرح شد، منظور از دانش سیاسی، دانسته‌ها و آموخته‌هایی است که فرد نسبت به افراد، نقش‌ها، نهادها و ساختارهای سیاسی دارد. مراد از دانش سیاسی خاص در این تحقیق، دانش سیاسی نسبت به نهادها و کارگزاران سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران است که در ابعاد زیر مورد بررسی قرار گرفت.
۱. نهادهای سیاسی حکومتی: نهادهای سیاسی حکومتی، خبرگان، رهبری و قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه می‌باشد که طبق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، این قوا مستقل از یکدیگر می‌باشند (تحت نظارت ولایت).

۲. حکومت اسلامی: حکومت اسلامی، نظام جمهوری اسلامی است که بر مبنای اسلام تشکیل شده است.
۳. ولایت فقیه: منظور از ولایت فقیه همان اصل پنجم قانون اساسی است که تأکید دارد، در زمان غیبت حضرت ولی‌عصر^{علیه السلام} در جمهوری اسلامی، ولایت امر و امامت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، مدیر و مدبر است.

۴. آشنایی با انقلاب اسلامی: مفاهیمی است که خواننده را با انقلاب اسلامی آشنا می‌نماید.

۶. جامعه‌پذیری سیاسی و مشروعیت سیاسی

مشروعیت سیاسی را می‌توان به «باور جمعی اعضای درون یک نظام و حاکمیت سیاسی به وجود و استمرار نظام یا حاکمیت» تعریف نمود. این باور و اعتقاد موجب می‌گردد که هر یک از اعضا، تبعیت از قدرت اعمال شده و پیروی از حاکمیت سیاسی را بر خود لازم تلقی کنند. بدین ترتیب اطاعت از قدرت و نهاد سیاسی به یک امر هنجاری، اخلاقی و منطقی بدل می‌شود و دیگر نیازی به اعمال زور و سلطه نخواهد بود. در واقع باید گفت مشروعیت سیاسی، فرایندی است که در آن قدرت به اقتدار تبدیل می‌شود و قدرت سیاسی، خصلتی عقلانی می‌باشد؛ در نتیجه، رابطه‌ای اساسی میان سلطه مشروع و مشروعیت سیاسی وجود دارد. (قوام، ۱۳۷۹: ۵۵ - ۵۴)

مشروعیت به یک معنا عبارت است از توانایی هر نظام در ایجاد و حفظ این باور که نهادهای سیاسی موجود، برای جامعه مناسب‌ترینند و به‌معنای عام، مشروعیت سیاسی عبارت است از احساس تعلق و دلبستگی فرد به افراد، نقش‌ها، نهادها و ساختارهای سیاسی و به‌طور کلی نظام سیاسی. (طلوعی، ۱۳۸۲: ۸۳)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصولی را به توضیح مشروعیت نظام اختصاص داده است؛ لذا در تحقیق حاضر مشروعیت؛ باور جامعه به استمرار نظام و همچنین معرفی اصول مذکور در کتاب‌های آموزشی

آموزش و پرورش، منظور نظر است. در این پژوهش، این متغیر در پنج بُعد ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. تعلق سیاسی: ابراز علاقه و وفاداری نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران.

۲. تعهد سیاسی: احساس وظیفه نسبت به سرنوشت نظام جمهوری اسلامی ایران.

۳. رأی مردم: مشروعیت (مقبولیت) سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق رأی مردم است. در حاکمیت مردم هریک از افراد، حق تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی خویش را دارد. در این باب، قسمتی از اصل پنجاه و ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هم او (خداوند) انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است».

۴. رأی از سوی خدا: مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی خداست. طبق اصل پنجاه و ششم قانون اساسی؛ بر اساس نظریه حاکمیت الهی، قدرت حاکمیت ناشی از اراده خداوند است و زمامداران دستورات خداوند را به اجرا در می‌آورند.

۵. رأی از سوی خدا و رأی مردم: مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی خدا و مردم است. برطبق اصل پنجاه و ششم قانون اساسی، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از خداست و هم او انسان را بر سرنوشت فردی و اجتماعی خویش حاکم ساخته است. ملت این حق خدادادی را از طرقی که در اصول بعدی قانون اساسی آمده است، اعمال می‌کند.

۷. کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی

به‌طور کلی عوامل تأثیرگذار بر جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. عوامل اولیه و عوامل ثانویه. خانواده و دوستان (همسالان)، می‌توانند جملگی به‌عنوان عوامل اولیه جامعه‌پذیری سیاسی تلقی شوند. معمولاً نوع روابط در میان گروه‌های اولیه جامعه‌پذیری، روابطی نزدیک، مستقیم، خودبخودی، صمیمانه و غیررسمی است. بیشتر محققین، مدرسه و نهادهای آموزشی را به‌عنوان اولین کارگزار ثانویه جامعه‌پذیری می‌دانند و سپس از عواملی چون رسانه‌های گروهی، احزاب و غیره نام می‌برند. معمولاً روابط افراد با کارگزاران ثانویه جامعه‌پذیری، رابطه‌ای رسمی، خشک، منطقی، محدود و بر اساس نوعی قرارداد است. البته باید گفت بعضی از محققین، مدرسه را هم جزو کارگزاران اولیه جامعه‌پذیری دانسته‌اند. (کمالی، ۱۳۷۴: ۵۱)

۸. نهادهای آموزشی و جامعه‌پذیری سیاسی

اجتماع از طریق نهادهای مختلفی مانند خانواده، بزرگان قبیله، سردمداران مذهبی (روحانیون، مسجد، کلیسا) رسانه‌های گروهی و ... به فرد آموزش می‌دهد. اثرات سیاسی خانواده گرچه در طول زندگی کودک با او باقی می‌ماند، ولی انحصار خانواده بر کودک در مراحل بعدی زندگی تضعیف می‌شود و نهادهای مدرسه و گروه‌های هم‌سن، جای خانواده را می‌گیرند. (همان: ۱۲) مدرسه به موازات خانواده و گروه‌های هم‌سن، جزو مهم‌ترین نهادهای یادگیری سیاسی محسوب می‌شود. در بعضی شرایط، تأثیر مدرسه حتی از دو نهاد دیگر بیشتر جلوه

می‌کند. مدرسه نیز مانند خانواده، شخص را در سنین کودکی و نوجوانی در سال‌های شکل‌گیری شخصیت سیاسی او تحت تأثیر قرار می‌دهد. جامعه‌ای که هدف آن ایجاد یک تحول گسترده و جامع در ارکان سیاسی و اجتماعی است و خواهان دگرگونی در نظام ارزشی است، مسلماً نظام آموزشی را یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عواملی محسوب می‌دارد که قادر است چنین تحولی را جامعه عمل بپوشاند. (مهرداد، ۱۳۷۶: ۱۶۸ - ۱۶۶)

۹. چهارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق حاضر

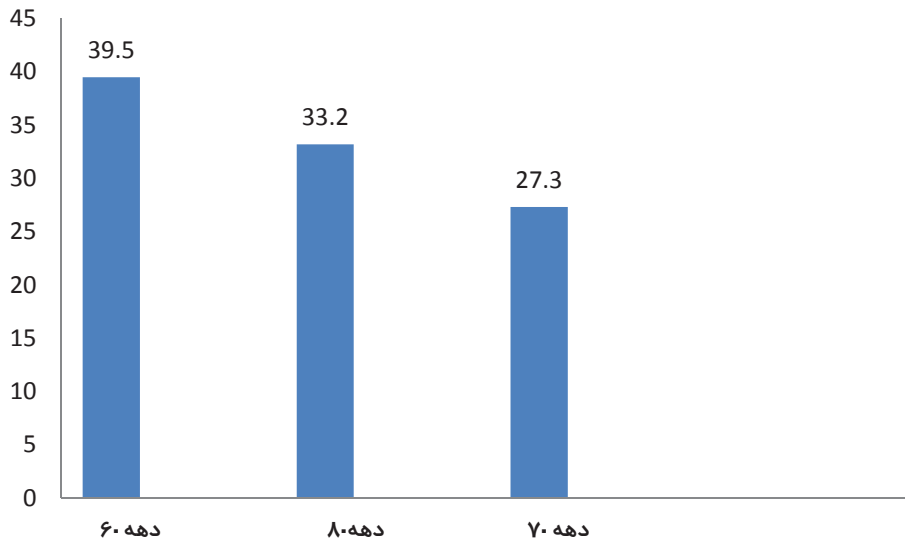
در پژوهش حاضر از نظریه داوسون و پروسیت استفاده شده است. آنها معتقدند جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که بر اساس آن جامعه‌گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها، اطلاعات و خلاصه ارزش‌ها و معیارهای سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. با استفاده از این نظریه می‌توان تا حدود زیادی علل استمرار و ثبات یک نظام سیاسی را برای مدت‌های طولانی توجیه کرد و علل بی‌ثباتی و ایجاد وقفه در بعضی نظام‌های سیاسی را باز شناخت. (خواجه سروی، ۱۳۸۷: ۶ - ۵) همچنین با استفاده از نظریه کارکردگرایی، آموزش و پرورش به‌عنوان بخشی از نظام اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که با ارائه کارکردهایی مانند انتقال فرهنگ، جامعه‌پذیری، ایجاد همبستگی اجتماعی، رشد شخصیت، تربیت اخلاقی، نوآوری و آموزش فنی و حرفه‌ای، نقش مهمی در حفظ ثبات و پایداری نظام اجتماعی ایفا می‌کند و بدون آن، بقای جامعه ممکن نیست. (قلی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۳) در پژوهش حاضر، جامعه‌پذیری سیاسی به‌عنوان فرایندی که طی آن نگرش (اعتماد سیاسی و مشروعیت سیاسی)، دانش (دانش سیاسی عام و دانش سیاسی خاص که ارزش‌های سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران است) و رفتار سیاسی (مشارکت سیاسی) در نظام جمهوری اسلامی ایران از نسلی به نسل‌های دیگر انتقال و انتشار می‌یابد، مورد مطالعه قرار گرفته است و مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی با پنج شاخص مشخص شد و هر کدام از شاخص‌ها به مقوله‌های قابل سنجش تبدیل شده و در کتاب‌های سه دهه بعد از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول متغیرهای مورد بررسی و شاخص‌های مربوط به آن

متغیر	شاخص
۱. اعتماد سیاسی	۱. اعتماد به اینکه متصدیان حکومتی از توانایی لازم برای اداره کشور برخوردارند. ۲. اعتماد به کارآمدی قوانین کشور از لحاظ حقانیت دینی ۳. اعتماد به کارآمدی قوانین کشور از لحاظ منفعت عمومی ۴. اعتماد به کارآمدی نهادهای رهبری و قوای سه‌گانه
۲. مشارکت سیاسی	۱. مشارکت حزبی؛ ۲. مشارکت انتخاباتی؛ ۳. مشارکت فردی
۳. دانش سیاسی عام	۱. تعریف سیاست و مفاهیم مربوطه؛ ۲. قدرت و اقتدار؛ ۳. احزاب و نظام‌های سیاسی ۴. حقوق و تکالیف شهروندی؛ ۵. انتخابات

متغیر	شاخص
۴. دانش سیاسی خاص	۱. نهادهای سیاسی حکومت (خبرگان، رهبری و قوای سه‌گانه)؛ ۲. حکومت اسلامی ۳. ولایت فقیه؛ ۴. آشنایی با انقلاب اسلامی؛ ۵. سایر (جدا نبودن دین از سیاست، شهادت)
۵. مشروعیت سیاسی	۱. تعلق سیاسی ابراز علاقه و وفاداری نسبت به نظام جمهوری اسلامی ۲. تعهد سیاسی احساس وظیفه نسبت به سرنوشت نظام جمهوری اسلامی ۳. مشروعیت نظام از طرف خدا ۴. مشروعیت نظام از طرف مردم ۵. مشروعیت نظام از طرف خدا و مردم

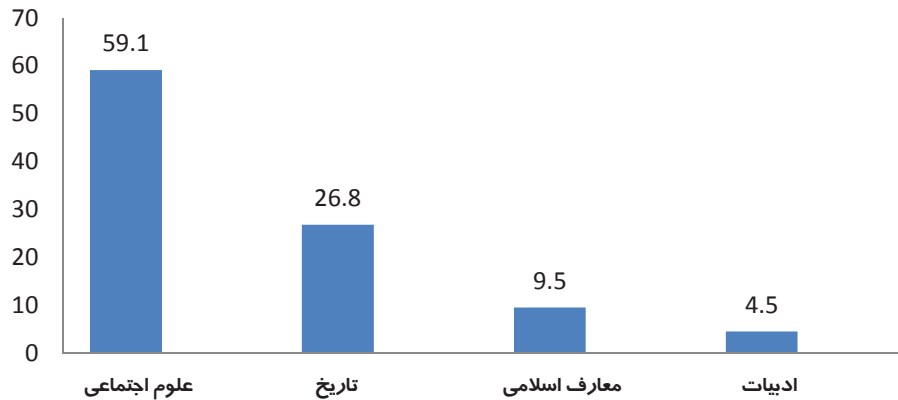
نمودار ۱. میزان جامعه‌پذیری سیاسی به تفکیک دهه



۱۰. یافته‌های پژوهش

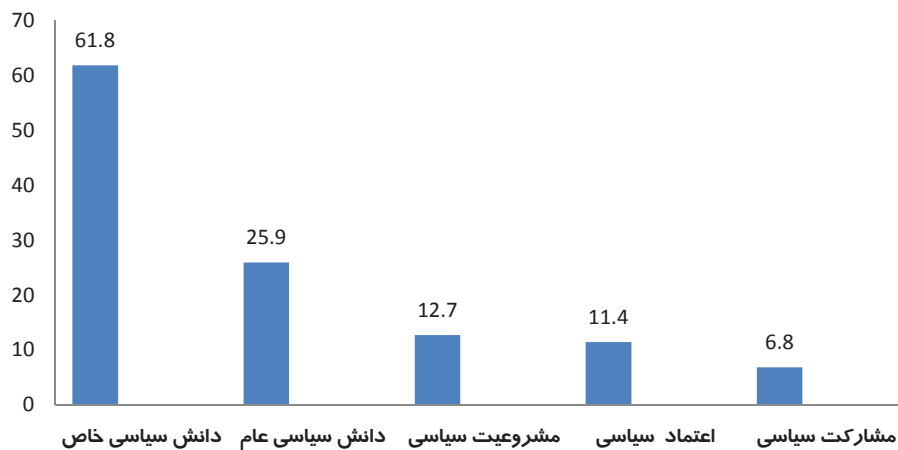
یافته‌های تجربی دلالت بر آن دارد که از مجموع ۲۲۰ گزاره، کتاب‌های دهه ۶۰ بیشترین و کتاب‌های دهه ۷۰ کمترین مقدار جامعه‌پذیری سیاسی را به خود اختصاص داده است. از یافته‌های مذکور می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که این حجم از مطالب جامعه‌پذیری سیاسی در دهه‌های مختلف با هم اندکی تفاوت دارند. هرچند این تفاوت چندان زیاد به نظر نمی‌رسد، اما به هر صورت شاید در دهه ۶۰، به دلیل شرایط اوایل تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این مقوله مورد توجه بیشتری در نظام بوده است. اما این مفهوم به دلایل نامعلومی در دهه ۷۰؛ تفاوت اندکی کاهش می‌یابد که نیازمند واکاوی بیشتری در پژوهش دیگری است. همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان می‌دهد، میزان انتقال مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در دهه ۸۰ کمی افزایش یافت؛ اما این میزان همچنان در مقایسه با دهه ۶۰ کمتر است.

نمودار ۲. جامعه‌پذیری سیاسی به تفکیک کتاب‌ها



همان‌گونه که شواهد تجربی در نمودار ۲ نشان می‌دهد، از مجموع ۲۲۰ گزاره کتاب‌های علوم اجتماعی با ۵۹/۱ درصد بیشترین و ادبیات فارسی با ۴/۵ درصد کمترین مقدار را به موضوع جامعه‌پذیری سیاسی (اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی، دانش سیاسی عام، دانش سیاسی خاص و مشروعیت سیاسی) اختصاص دادند. با توجه به اینکه موضوعات سیاسی از طرف وزارت آموزش و پرورش در اهداف کتاب‌های علوم اجتماعی در نظر گرفته شده است، این میزان حجم اختصاص یافته به موضوع جامعه‌پذیری سیاسی در این کتاب‌ها منطقی به نظر می‌رسد.

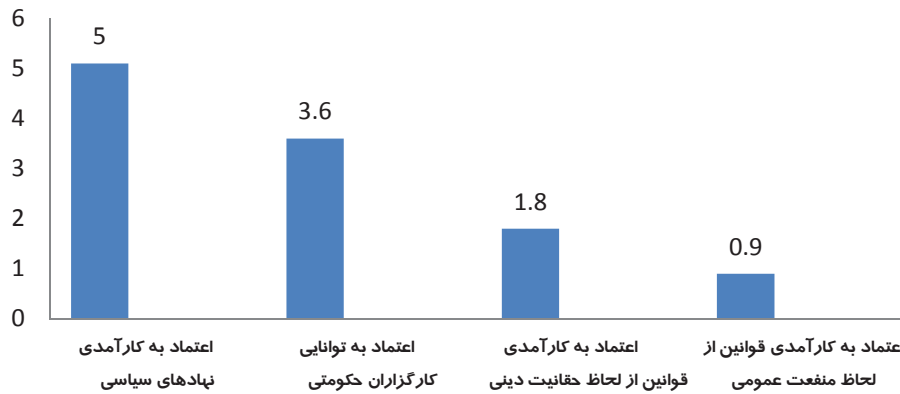
نمودار ۳. متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی در سه دهه پس از انقلاب



همان‌گونه که شواهد تجربی در نمودار ۳ نشان می‌دهد، در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، (جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های آموزشی دانش‌آموزان دبیرستان بعد از انقلاب اسلامی بر کدام مؤلفه‌های سیاسی تأکید داشته است؟) از مجموع ۲۲۰ گزاره؛ مفهوم دانش سیاسی خاص با ۶۱/۸ درصد، بیشترین میزان فراوانی را به خود

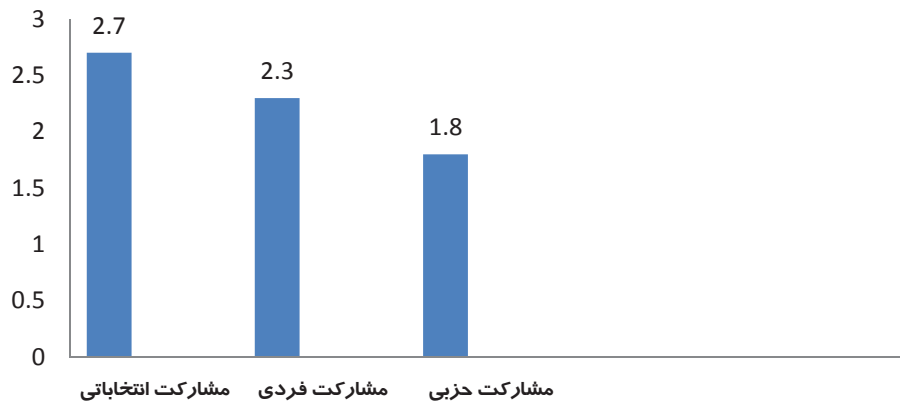
اختصاص داده است و این در حالی است که مفهوم مشارکت سیاسی با ۶/۸ درصد، کمترین میزان فراوانی را داشته است. همچنین دانش سیاسی عام با ۲۵/۹ درصد، مشروعیت سیاسی با ۱۲/۷ درصد و اعتماد سیاسی با ۱۱/۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. یافته‌های تجربی بیانگر آن است که بیشترین تعداد مفاهیم، در زمینه دانش سیاسی خاص بوده است. موارد دانش سیاسی خاص بیش از دو برابر دانش سیاسی عام است.

نمودار ۴. اعتماد سیاسی



اعتماد تأیید متصدیان و نهادهای امور سیاسی از سوی سایر اعضای نظام سیاسی است، درحالی‌که همان‌گونه که در نمودار ۴ نشان داده شده، میزان انتقال اعتماد سیاسی از سوی کتاب‌های آموزشی، ضعیف (۱۱/۴ درصد) تلقی می‌گردد. همچنین شواهد تجربی در نمودار بالا نشان می‌دهد، از مجموع ۲۲۰ گزاره، در میان مقوله‌های اعتماد سیاسی نیز، میزان اعتماد به کارآمدی قوانین از لحاظ منفعت عمومی، حجم بسیار کمی را به خود اختصاص داده است.

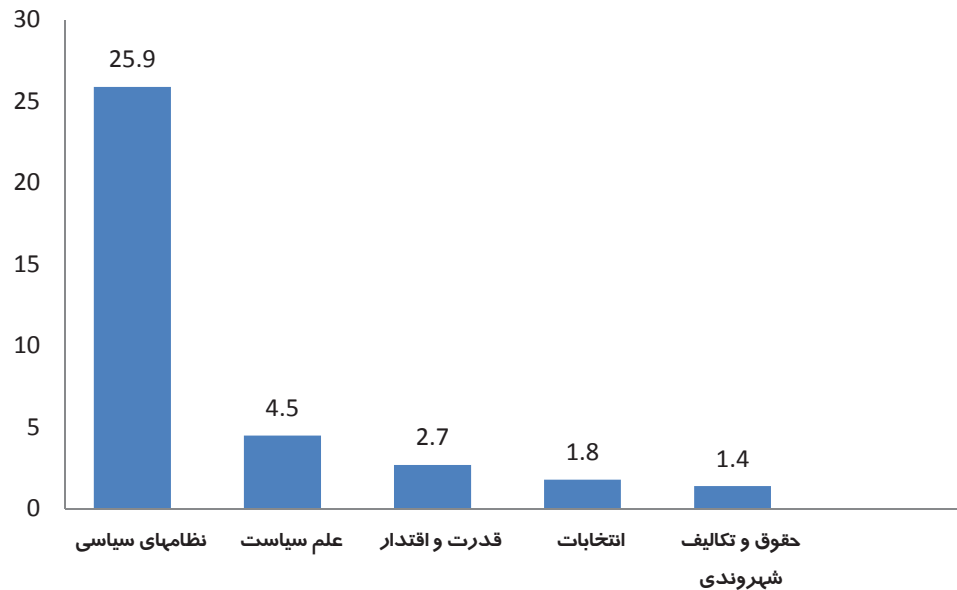
نمودار ۵. مشارکت سیاسی



نظر به تأکید ساموئل هانتینگتون و جو آن نلسون، مشارکت سیاسی فعالیت شهروندان عادی به‌منظور اثرگذاری بر تصمیم‌گیری حکومت است. بر این اساس می‌توان گفت مشارکت سیاسی عبارت است از فعالیت‌های معطوف به قدرت، که در چارچوب هنجارهای شناخته شده نظام سیاسی انجام می‌گیرد. (ساعی، ۱۳۷۲: ۱۷۰)

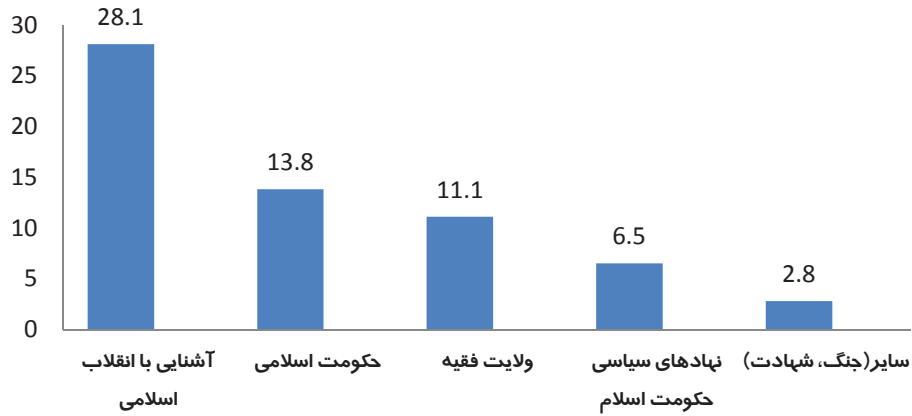
همان‌گونه که شواهد تجربی در نمودار ۵ نشان می‌دهد، از مجموع ۲۲۰ گزاره از مقوله‌های مشارکت سیاسی، مشارکت انتخاباتی با ۲/۷ درصد بیشترین مقدار و مشارکت حزبی و مشارکت فردی با ۱/۸ درصد کمترین مقدار را دارد.

نمودار ۶. دانش سیاسی عام



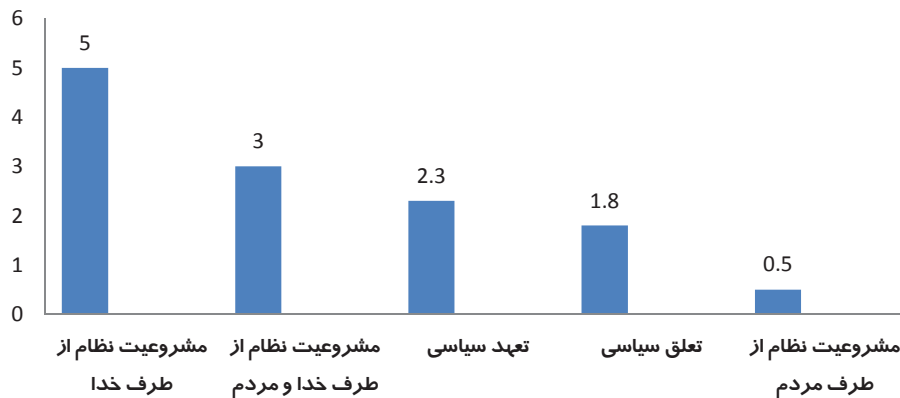
دانش سیاسی، دانسته‌ها و آموخته‌هایی است که افراد نسبت به نقش‌ها، نهادها و ساختارهای سیاسی دارند. در پژوهش حاضر مراد از دانش سیاسی عام، دانش افراد نسبت به نوع نظام سیاسی و ویژگی‌های آن، حقوق و تکالیف شهروندی و به‌طور کلی هرگونه آگاهی و شناخت نسبت به مؤلفه‌های سیاسی می‌باشد. همان‌گونه که شواهد تجربی در نمودار ۶ نشان می‌دهد، از مجموع ۲۲۰ گزاره، از میان مقوله‌های دانش سیاسی عام، نظام‌های سیاسی با ۲۵/۹ درصد بیشترین مقدار و حقوق و تکالیف شهروندی با ۱/۴ درصد کمترین مقدار است. با توجه به نتایج مذکور باید گفت در میان دانش سیاسی عام، دانش در زمینه‌های قدرت و اقتدار، مقوله‌های علم سیاست، انتخابات و حقوق و تکالیف شهروندی بسیار اندک بوده است.

نمودار ۷. دانش سیاسی خاص



مراد از دانش سیاسی خاص در این تحقیق، دانش سیاسی نسبت به نهادها و کارگزاران سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. همان‌گونه که شواهد تجربی در نمودار ۷ نشان می‌دهد، از مجموع ۲۲۰ گزاره از میان مقوله‌های متغیر دانش سیاسی خاص، مقوله آشنایی با انقلاب اسلامی با ۲۸/۶ درصد بیشترین و مقوله نهادهای سیاسی حکومت اسلامی با ۶/۵ درصد، کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در ضمن مقوله حکومت اسلامی با ۱۳/۸ درصد و ولایت فقیه با ۱۱/۱ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. نتایج این تحقیق در مورد دانش سیاسی خاص تا حدودی قابل قبول است. خصوصاً در مقایسه با دیگر مفاهیم مطرح شده در جامعه‌پذیری سیاسی، از میزان خوبی برخوردار بوده است. اما با توجه به اهمیت مسائلی چون حکومت اسلامی و ولایت فقیه بر مبنای تئوری انقلاب این میزان در حد قابل قبولی نبوده و نیاز به توجه بیشتری است.

نمودار ۸. مشروعیت سیاسی



مشروعیت (مقبولیت) سیاسی یعنی میزانی که هنجارهای اجتماعی و سیاسی در یک جامعه معین پذیرفته می‌شوند و به‌ویژه هنجارهایی که در مورد اعمال قدرت یا تسلط برخی افراد یا گروه‌ها بر دیگران به‌کار می‌روند. مشروعیت سیاسی را می‌توان به «باور جمعی اعضای درون یک نظام و حاکمیت سیاسی به وجود و استمرار نظام یا حاکمیت» تعریف نمود. این باور و اعتقاد موجب می‌گردد که هریک از اعضا، تبعیت از قدرت اعمال شده و پیروی از حاکمیت سیاسی را بر خود لازم تلقی کنند. همان‌گونه که شواهد تجربی در نمودار ۸ نشان می‌دهد، از مجموع ۲۲۰ گزاره، ۱۲/۷ درصد موردها به متغیر مشروعیت سیاسی پرداخته شد که از این تعداد مقوله، مشروعیت نظام از طرف خدا با ۵/۱ درصد بیشترین و مقوله مشروعیت نظام از طرف مردم با ۰/۵ درصد کمترین مقدار را به خود اختصاص داد. در ضمن مقوله تعهد سیاسی و مشروعیت نظام از طرف خدا و مردم با ۳ درصد و تعلق سیاسی با ۱/۸ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. با توجه به اهمیت مقوله‌های تعلق سیاسی و تعهد سیاسی در القاء مشروعیت به نسل‌های کنونی، این میزان بسیار اندک بوده است.

۱۱. نتیجه

همان‌گونه که در یافته‌های پژوهش تأکید شد از مجموع ۲۲۰ گزاره؛ مفهوم دانش سیاسی خاص با ۶۱/۸ درصد موارد بیشترین میزان فراوانی را در خصوص جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های آموزشی دانش‌آموزان دبیرستان بعد از انقلاب اسلامی به خود اختصاص داده است و این در حالی است که مفهوم مشارکت سیاسی با ۶/۸ درصد کمترین میزان فراوانی را داشته است. در این خصوص دانش سیاسی عام با ۲۵/۹ درصد، مشروعیت سیاسی با ۱۲/۷ درصد و اعتماد سیاسی با ۱۱/۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

همچنین بر اساس یافته‌های بخش دیگری از این تحقیق، از مجموع ۲۲۰ گزاره استخراج شده در خصوص جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های آموزشی دانش‌آموزان دبیرستان در سه دهه انقلاب اسلامی به ترتیب در دهه نخست بعد از انقلاب اسلامی (دهه ۶۰) ۳۹/۵ درصد، دهه ۷۰، ۲۷/۳ درصد و دهه ۸۰، ۲۳/۲ درصد به موضوع جامعه‌پذیری سیاسی پرداخته شده است که در این خصوص در دهه ۶۰، مفهوم دانش سیاسی خاص بیشترین و مشارکت سیاسی کمترین مقدار و مفاهیم دانش سیاسی عام، مشروعیت سیاسی و اعتماد سیاسی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

میزان این مؤلفه‌ها در دهه ۷۰ به‌گونه‌ای است که دانش سیاسی بیشترین و مفهوم مشارکت سیاسی کمترین مقدار و مفاهیم دانش سیاسی عام، اعتماد سیاسی و مشروعیت سیاسی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین میزان این مؤلفه‌ها در کتاب‌های دهه ۸۰ بدین‌گونه است که مفهوم دانش سیاسی خاص بیشترین و مفهوم اعتماد سیاسی کمترین مقدار و مفاهیم دانش سیاسی عام، مشارکت سیاسی و مشروعیت سیاسی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. لازم به یادآوری است، از مجموع صفحات مطالعه شده، تقریباً ۷ درصد از حجم صفحات به جامعه‌پذیری سیاسی اختصاص داده شده است که در میان متغیرهای

جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و این در حالی است که از اهداف بسیار مهم انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی حاکم بوده و آن‌چنان‌که در برخی از تحقیقات از جمله در پژوهش دکتر پناهی در کتاب جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب آمده است، بخش اعظمی از شعارهای انقلاب اسلامی (حدود ۴۰ درصد) درخصوص اهداف و ارزش‌های سیاسی بوده، به‌طوری‌که یکی از دستاوردهای مهم انقلاب نیز همین تغییر ارزش‌های سیاسی بوده است؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد میزان انتقال و انتشار این مؤلفه‌های سیاسی اندک بوده است.

منابع و مأخذ

۱. آبراکرمبی، نیکلاس و دیگران، ۱۳۷۶، فرهنگ جامعه‌شناسی، مترجم حسن پویان، تهران، چاپخس.
۲. آلموند، جی‌آو و بی‌جی پاول، ۱۳۸۰، «مشارکت و حضور سیاسی شهروندان»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۷ و ۸.
۳. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر.
۱. خواجه‌سروی، غلامرضا، ۱۳۸۷، «مروری بر نظریه‌های جامعه‌شناسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.
۲. راش، مایکل، ۱۳۷۷، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
۳. طلوعی، علی، ۱۳۸۲، درآمدی بر جامعه‌پذیری سیاسی، مشهد، ایوار.
۴. قلی‌زاده، آذر، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، کاشان، محتشم.
۵. قوام، عبدالعلی، ۱۳۶۹، «درآمدی بر جامعه‌پذیری سیاسی»، نامه علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۲، شماره ۱.
۶. قوام، عبدالعلی، ۱۳۷۹، چالش‌های توسعه سیاسی، تهران، قومس.
۷. کمالی، علی‌اکبر، ۱۳۷۴، بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. کوئن، بروس، ۱۳۸۷، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر غلام‌عباس توسلی و دکتر رضا فاضل، تهران، سمت.
۹. گیلدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نی.
۱۰. مهرداد، هرمز، ۱۳۷۶، زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی: جامعه‌پذیری سیاسی، تهران، پازنگ.